

# رعایت مساوات میان کودکان

سید محمد باقر حجتی



پس مدرسه نمی‌تواند اهتمام خود را در مورد او متمرکز سازد. بلکه اهتمام خود را نسبت به تمام کودکان بطور مساوی توزیع مینماید. و این مشکل (یعنی مساوات میان او و دیگران) از مهمترین مشکلاتی است که کودک در این مرحله با آن مواجه میشود.

ولی مشکل دیگری هم قبل از آن وجود دارد و آن عبارت از طرز تربیت کودک و کیفیت تکوین شخصیت اجتماعی او در داخل خانواده است. ما در بحث از محبت به کودک دیدیم که چگونه در طرز علاقه کودک به پدر و مادرش

تربیت اجتماعی کودک در خانه و مدرسه :

طرز تربیت کودک، در خانواده، دخالت مستقیم در تربیت او در مدرسه دارد. کودک وقتی در سن شش یا هفت سالگی وارد مدرسه میشود احساس میکند که اهتمام او در اشیاء تمایلاتش در مدرسه، با منزل فرق دارد. او در منزل از مزایای فراوانی بهره مند بود، که در مدرسه، شرایط و امکانات آنها فراهم نیست. پس مدرسه در زندگانی کودک تحولی ایجاد مینماید. زیرا به وی در بالا بردن و تلطیف تمایلات و خواسته هایش و فراقرفتن برخی از برنامهها و اسباب، نیازمند است. مدرسه میگذرد

معمول گردد. رابطه میان این کودکان خردسال قویتر میشود. بخاطر اینکه میخواهند هر چه بیشتر رضای خاطر و محبت آنها را جلب نمایند در این واقعیت، نخستین پایه شخصیت اجتماعی کودک بنیان گذاری میشود، زیرا در محیطی که عواطف و محبت، بالسویه توزیع و تقسیم شده است، میآموزد که چگونه باید با دیگران در وصول به یک غرض و هدف همکاری نماید. حقیقت این است که اینگونه تربیت اجتماعی کودک در خانواده، اساس و مبنای رفتار اجتماعی او با افراد جامعه‌های بزرگتر و وسیعتر در بزرگسالی میشود. اعم از اینکه این جامعه، دینی یا حزبی یا صنعتی یا سیاسی و امثال آنها باشد.



ورود کودک به مدرسه اولین برخورد اوست با نخستین وحدت اجتماعی خارج از خانواده

است و آن رابطه عاطفی است که تمام افراد خانواده را بهم مربوط میسازد. تردیدی نیست که ریشه این رابطه از زمانی شروع میشود که کودک، درک میکند که باید با دیگران (خواهر و برادر) از توجه و عاطفه پدر و مادر سهمیم و بهره‌مند باشد و معمولاً "کودک نسبت به برادران خود، دارای نوعی از غیرت و حسادت و خودخواهی است. و شاید این نکته در مورد کودک نسبت به برادر کوچکتر از او مستقیماً" بروز نماید. زیرا برادر کوچکتر نزد مادر یا پدرش بیشتر مورد نوازش و مشمول عواطف آنها است. ولی اینحالت دوامی ندارد و بتدریج تعدیل میگردد. و یک رابطه انفعالی و نیرومند میان افراد خانواده اعم از پسران و دختران پدید میآید. آنها از محبت پدر و مادر بطور مساوی برخوردار میگرددند، در نتیجه نوعی از رابطه روحی میان آنها بنمیرسد. در اینوقت تمام افراد خانواده در یک امر با هم شریک میگرددند. و آن عبارت از حب و عاطفه است که پدر و مادر نسبت به فرزندان، و فرزندان نسبت به پدر و مادر نشان میدهند. تبعیض در نوازش و محبت به کودکان :

اما اگر والدین هر نوع محبت و نوازش خود را متوجه فرد خاصی از فرزندان خود بنمایند، حسادت و کینه ذاتی- که قبلاً میان آنها ریشه‌دار بود- رو به ازدیاد میگذارد. زیرا کودک محروم از محبت، به برادر خود- که از محبت و نوازش برخوردار است- بر این اساس مینگرد که از مزایای زندگی او نیز بهره‌مند گردد. در اینوقت حسادت بروز مینماید، و جنبه عمل به خود میگیرد. ولی هر گاه رفتار والدین میان فرزندان بطور مساوی



آنها را با غنی، و غنی آنها را با فقیر، در ردیف هم نبیند در روز قیامت با خائنان محسور خواهد شد" (۳)

علاوه بر این امور، هدف عالی تربیت رعایت مساوات میان تمام افراد ملت میباشد. و با رعایت مساوات، امتیازات طبقاتی از میان رفته و عدالت اجتماعی جای آنها میگردد. بدیهی است که جامعه بشری از گروههای مختلفی تشکیل میشود؛ از عدهای محروم، و دسته ای که از زندگانی کاملاً متمتع اند. اختلاف نسبت میان ایندو گروه، به علت اختلاف شهرها و ممالکی است که در آنها زندگانی میکنند، و نوعاً همین عامل علت عدم مساوات در تربیت در ممالک شرقی میباشد. ولی علیرغم این اختلافات، اسلام برای ابناء ملت - از هر طبقه - شرائطی مساوی و برابر در تعلیم و تربیت آنها برقرار نموده است.

#### منظور از مساوات در تعلیم و تربیت

منظور از مساوات در تعلیم و تربیت آن نیست که تمام مردم، در مواهب و استعدادها و درجات هوش، مساوی میباشند. بطوریکه در نوع تحصیلات علمی و دریافت گواهینامه مانند هم و برابر هم گردند. آزمایشهای روانشناسی ثابت کرده است که یک سلسله امتیازات طبیعی میان افراد، وجود دارد که تربیت نمیتواند آنها را از میان بردارد. هر چند که روشها و وسائل تعلیم و تربیت از نظر اسلوب و خوبی به منتهای درجه برسد. بلکه منظور از مساوات در تعلیم و تربیت آن است که ابناء ملت باید

اگر بخواهیم کودک، با محیط مدرسه مناسب گردد، باید پایه های تربیت و شخصیت اجتماعی او در خانواده بنیان گذاری شود، تا در نتیجه - در یک شرائط متساوی - کودک با کودکان دیگر برای جلب رضا و خوشنودی اولیاء مدرسه همکاری نمایند. چون مدرسه در نظر کودک ایده و مثل اعلائی را تصویر میکند، و آن این است که متخلف و گناهکار به کیفر تخلف و گناه، و درستکار و وظیفه شناس، به پاداش میرسد. و این نکته تأثیر عمیقی در ایجاد اخلاق فاضله برای کودک دارد. بنابراین لازم است مدرسه، مانند منزل با تمام کودکان بطور مساوی معامله نماید و هیچگونه تبعیضی را در باره آنها روا نداند.

لذا پیغمبر اسلام (ص) هم در مورد تربیت و هم در مورد تعلیم، مریبان و مصلحان را به رعایت مساوات درباره کودکان توصیه مینماید:

اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تَحْسُونَ أَنْ يُعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبَيْتِ وَاللَّطِيفِ. (۱)

میان فرزندان خود عدالت و مساوات را رعایت نمایید، چنانکه دوست میدارید میان شما در احسان و لطف و محبت رعایت مساوات شود. و نیز روزی رسول اکرم (ص) مردی را دید که دارای دو پسر بود، آن مرد یکی از آندو را بوسید (و مورد نوازش قرار داد) و دیگری را نبوسید. پیغمبر به آن مرد فرمود:

چرا رعایت مساوات و برابری میان آندو ننمودی؟! (۲)

و همچنین پیامبر اسلام فرمود:

" هر مودب و مریبی که متعهد تربیت سه کودک از این امت (ملت اسلام) گشت، اگر آنها را

امکانات طبیعی بطور مساوی برخوردار باشند. عبارت دیگر: مساوات در تعلیم و تربیت اقتضاء میکند که دولت وسائل تعلیم و تربیت را برای تمام افراد ملت بطور مساوی فراهم آورد. باین معنی که میان ثروتمند و فقیر فرقی

خانواده های ثروتمند به دنیا آمده اند. طبیعت در تقسیم مواهب و استعدادها، میان افراد- بخاطر اختلاف طبقاتی- فرق نمیگذارد دولت نیز باید طرز موهبت طبیعی را الگوی سعی و کوشش خود قرار دهد، و نخواهد ملت و جامعه، از گوهرهای گرانبها و نوابغی- که در میان کوخهای مستمندان و بینوایان نهفته و مدفون هستند- محروم بماند. آنچه که ما را امیدوار میسازد آن است که حکومت اسلامی و دولتهای متمدن امروز در مسیری گام برمیدارند



وجود نداشته باشد، و فقیر از تحصیل محروم نگردد.

بطور خلاصه: وظیفه تربیتی دولت، تنها ایجاد مدارس نیست که شاگردان فراوانی در خود گردآورد، بدون آنکه بهترین ساختمانها و شایسته ترین اثاث، و جدیدترین وسائل مجهز باشد.

مساوات در تعلیم و تربیت مقتضی است که دولت، اسباب و وسائل جامعی برای تعلیم همه افراد فراهم آورد. اختلاف طبقات اجتماعی و امکانات اقتصادی افراد را باید نادیده بگیرد زیرا چه بسیار کودکانی که از خانواده فقیر و گمنامی بوجود آمده اند، ولی دارای هوش قوی و شایستگی کافی و بیشتری برای تحصیلات عالی، نسبت به کودکانی هستند که در

که عدالت اجتماعی و انصاف را نصب العین خود، در تعلیم و تربیت افراد ملت قرار داده اند.

نخستین امریکه در مؤسسات تعلیم و تربیت اسلامی نظر شخص دقیق را جلب میکند وجود مساوات میان طلاب علوم دینی میباشد.

۱- محجه البيضاء، ج ۲، ص ۶۴

۲- همان مرجع و صفحه

۳- آداب المعلمین ابن سخون، ص ۲۵۳